

الگوی مطلوب روابط انسانی در نظام تربیتی امام رضا علیه السلام

دکتر علی نقی فقیهی^۱

حسن نجفی^۲

سمیه دریسای^۳

چکیده

نقش مناسبات انسانی در نظام تربیتی امام رضا علیه السلام بسیار برجسته است. هدف این پژوهش بررسی الگوی مطلوب روابط انسانی در نظام تربیتی امام رضا علیه السلام است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، متون حدیثی مرتبط با موضوع پژوهش، از منابع گردآوری شده و با شیوه کیفی، مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش، بیان‌گر آن است که دامنه الگوی مطلوب روابط انسانی در نظام تربیتی امام رضا علیه السلام، شامل ارتباط انسان با خدا، خویشتن، انسان‌های دیگر و جهان هستی است.

کلیدواژگان: الگوی مطلوب، روابط انسانی، نظام تربیتی امام رضا علیه السلام.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. بر این اساس، برخی از آموزه‌های تربیتی امام رضا علیه السلام توصیف محتوایی و تحلیل شده و روابط انسانی مؤثر در نظام مطلوب تربیتی مورد نظر آن امام علیه السلام، تبیین گردیده است.

جامعه پژوهش

^۱ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه شاهد.

^۳ کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآنی.

جامعه پژوهش حاضر، شامل متون حدیثی مرتبط با روابط انسانی، در حیطه نظام تربیتی امام رضا علیه السلام می‌باشد و از میان متون حدیثی، مواردی که ارتباط بیشتری با اهداف پژوهش داشتند، به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

در پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده‌ها، از فرم‌های فیش‌برداری از متون حدیثی استفاده شده است.

مقدمه

رسالت اصلی انبیاء علیهم السلام و امامان معصوم علیهم السلام، فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی انسان و رهانیدن او از گمراهی‌ها و هدایت به سوی سرچشمه کمال است. این هدایت بر اساس ترسیم نظام تربیتی هماهنگی است که وحی الهی و سنت معصومین علیهم السلام از آن حکایت دارد.^۱ امام رضا علیه السلام به عنوان یکی از معصومان علیهم السلام، با احساس وظیفه الهی - انسانی و درک مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، همواره درصدد تبیین این نظام تربیتی بود تا مردم رستگار گردند و به کمال و قرب الهی، نایل شوند.^۲ انسان از آن جهت که انسان است، دارای مناسبات خاص است. تبیین این مناسبات به عنوان چارچوب نظام تربیتی، در آموزه‌های تربیتی امام رضا علیه السلام بسیار مهم است، از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی الگوی مطلوب روابط انسانی منطبق با نظام تربیتی امام رضا علیه السلام است.

منظور از مناسبات انسانی، مناسباتی است که انسان از آن جهت که انسان است و از فطرت خاص انسانی برخوردار است، آنها را دارا است؛ به عبارت دیگر، اقتضای انسان بودن و امیال و نیازهای فطری‌اش، مناسبات و روابط ویژه‌ای است که می‌خواهد آنها را به

صورت مطلوب، عملی سازد. این مناسبات، چهار رابطه با خدا، خویشتن، انسان‌ها و جهان هستی است که به تمام آنها، تربیت آدمی، نظامی مطلوب به خود می‌گیرد و انسان به کمال شایسته خود می‌رسد. در این

۱ علی اصغر ابراهیمی فر، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، ص ۲ - ۵.

۲ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۲۰۳ و شهرزاد مریم کتابی، «سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام از منظر قرآن کریم»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام رضا علیه السلام، ص ۳۱.

صورت است که انسان‌ها می‌توانند پیوند خود را با خدای خویش استوار سازند، خود را پرورش دهند تا در برابر حق، خضوع و خشوع داشته باشند، به جلب رضای پروردگار همت گمارند، با هم‌نوعان خود، سبک زندگی مطلوبی داشته باشند، رابطه خود را با هستی واقع‌بینانه کنند و در راستای قرب الهی و کمال مطلوب، از مواهب الهی بهره‌مند گردند.

ترتیب رضوی و مناسبات آدمی

در اسلام، پرورش مناسبات فرد با خدا، خویش، انسان‌ها و دیگر موجودات جهان هستی، پایه‌ی اساسی و چارچوب تعلیم و تربیت است. این تعاملات و مناسبات چهارگانه، اقتضای فطرت آدمی نیز هست و از آن‌جا که خدای حکیم، این اقتضائات را در راستای اهداف تکاملی در انسان سرشته است، برقراری بهینه مناسبات مذکور، می‌تواند او را به اهداف والای تربیتی، هدایت نماید؛ به عبارت دیگر تربیت صحیح بدون شکوفایی این مناسبات در انسان امکان‌پذیر نیست، از این رو مطابق آموزه‌های حضرت امام رضا علیه السلام، همین مناسبات چهارگانه و کشف روابط آنها با یکدیگر است که اساس نظام تربیتی را تشکیل می‌دهد.

تمام تغییرها و تحولات رشدی که به تدریج در راستای اهداف عالی تعلیم و تربیت و هماهنگی با اهداف آفرینش در آدمی پدید می‌آید، از چهار جنبه فوق بیرون نیست. در حقیقت پرورش مطلوب این روابط چهارگانه، آدمی را به سبک زندگی انسانی هدایت می‌کند و رشد و بالندگی سعادت‌مندانه را در زندگی فردی، اجتماعی و زیست محیطی، موجب می‌گردد. انسان به واسطه‌ی این مناسبات، زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای زندگی اخروی و حیات جاوید قرار می‌دهد و هدف قرب و کمال مطلوب را برای خود فراهم می‌سازد.

این مناسبات چهارگانه با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند و باید به صورت همه جانبه در انسان رشد یابند. شاید بتوان گفت که روابط صحیح در یک بعد، ابطه‌ای نیست که رغبت فطری، توجه به آن است؛ به عبارت دیگر پیوندی میان این مناسبات وجود دارد که تحقق برخی از این روابط، حتماً به تحقق روابط دیگر می‌انجامد؛ مثلاً رابطه تقوایی انسان با خدا - که در آموزه‌های دینی بسیار بر آن تأکید شده است - در بسیاری از روابط فرد با انسان‌های دیگر نیز تبلور پیدا می‌کند، چنان که در روایات متعددی از نشانه‌های تقوای الهی، راست‌گویی با مردم، ادای امانت، وفای به عهد، صلح رحم، دست‌گیری از نیازمندان و ضعیفان، حسن

خلق و مانند آن ذکر شده است.^۱ این حاکی از آن است که این مناسبات در نظام تربیتی، به هم تنیده در نظر گرفته شده‌اند و در عملیاتی ساختن هر دسته از این مناسبات چهارگانه، باید از دسته‌های دیگر نیز کمک گرفت تا تربیت صحیح، تحقق یابد.

در ادامه به تشریح روابط چهارگانه مذکور پرداخته می‌شود:

۱. روابط انسان با خدا

از میان مناسبات انسانی که مقتضای فطرت آدمی است، مناسبات او با پروردگار، نقش محوری و مرکزی برای مناسبات دیگر دارد. اساس این نوع روابط، شناخت خدا به عنوان ربّ یگانه انسان، تن دادن به ربوبیت او و سرباز زدن از پذیرش ربوبیت غیر اوست.^۲ این بدین معناست که معرفت و ایمان به خدا و صفات او و پذیرش نقش او در خلق و اداره نظام هستی و پرستش خاضعانه و خاشعانه وی، فرد را به کمال هدایت می‌کند.

فلسفه نظام هستی مبتنی بر این است که جهان و آنچه از مواهب و نعمت‌های الهی در آن است، برای انسان و کمال او، لباس هستی پوشیده‌اند. انسان نیز از آن جهت که هدف آفرینش است و دارای عزّت و ارزش والایی است که ملائکه به حال او غبطه می‌خورند، از حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی‌ای برخوردار است که نوع روابط او با دیگران را تنظیم و سبک زندگی‌اش را ترسیم می‌نمایند، بنابراین آدمی در تنظیم روابط با خویش، انسان‌ها و جهان، بر اساس روابط شناختی، عاطفی، ایمانی، عبادی و پذیرش احکام الهی، تعالی می‌یابد.

در ادامه به تشریح انواع روابط انسان با خدا پرداخته می‌شود:

الف. رابطه معرفتی

۱ امام محمد باقر علیه السلام: **إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يَعْرِفُونَ بِهَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَ قِلَّةُ الْفَخْرِ وَ الْبُخْلِ وَ صَلََّةُ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةُ الضُّعْفَاءِ وَ قِلَّةُ الْمَوَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَ بَدَلُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ سِعَةُ الْحِلْمِ وَ اتِّبَاعُ الْعِلْمِ** فیما یَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَا ب. (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۸۲)

۲ خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۶۱.

ساختار وجودی انسان به گونه‌ای است که به سوی خدا گرایش و تمایل نشان می‌دهد، و احساس نیاز و فقر به او دارد. این حاکی از آن است که انسان، شناختی اجمالی از خداوند دارد و توانمندی شناخت تفصیلی را نیز داراست. امام رضا علیه السلام لازم می‌داند، فرد این توانمندی ادراکی را افزایش دهد و شناخت خود را از خدا و صفات او از قبیل بی‌نیازی، شنوایی، دانایی، توانایی، عدالت، خالقیت و این‌که هیچ‌کسی و هیچ‌چیزی مانند او نیست و شریک و ضدی ندارد، ارتقاء دهد.^۱ آدمی باید معرفت حضوری و فطری خود را به خدا بی‌پرواورد و در معرفت حصولی به خدا و صفات حسنا‌ی الهی بکوشد تا معرفت یقینی پیدا کند و بداند که همه امور به قدرت اوست. خلق و امرش، حکیمانه است. اوست که همه هستی را برای آدمی و کمال شایسته‌اش آفریده است و هدایت‌های او برای بشر از علم نامتناهی‌اش سرچشمه می‌گیرد.

کوشش برای شناخت هرچه بیشتر خدا - آن‌گونه که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید - از بهترین اعمال تربیتی است^۲ و نقش مهمی در قرب به پروردگار دارد، چراکه بدون شناخت خداوند، پرورش و رشد به سوی کمال و تقرب به خداوند، امکان‌پذیر نیست. تحوّل تربیتی، تخلّق به اخلاق الهی و کسب ایمان و تقوا، همه در گرو شناخت هرچه کامل‌تر از اوست و هرچه شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر گردد، زمینه شکوفایی و تحوّل بیشتر فراهم می‌شود، از این رو در کلام امام علی علیه السلام، معرفت خداوند به عنوان آغاز دین معرفی شده است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»^۳؛ معرفت خدا، سرآغاز تدین است. این جمله بیان‌گر آن است که معرفت خداوند، محوریت دارد و بدون آن، امکان تدین و تربیت مطلوب وجود ندارد.

ب. رابطه ایمانی

گرایش و علاقه انسان به خدا، با شناخت او و مجموعه صفات ذاتی و فعلی‌اش، پرورش می‌یابد و او را به عنوان پروردگار، هستی‌بخش، مدبّر، حکیم، رحیم و دیگر صفات منحصر به فرد، می‌پذیرد. ایمان مفهومی است که حکایت از اعتقاد و باوری درونی دارد. ایمان در لغت به معنای تصدیق و در متون اسلامی علاوه بر

^۱ ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۲۷ و ۴۲۸.

^۲ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْعِلْمُ بِاللَّهِ. (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه شیخی، ح ۲۲۸)

^۳ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۰.

معنای لغوی، به معنای باور قلبی و التزام است.^۱ از مظاهر این باور و التزام که همان پذیرش قلبی پروردگار با صفات حسناى اوست، تصدیق زبانی این پذیرش را به زبان آورد و التزام عملی به هدایت‌های خداوند است، زیرا لازمه پذیرش خدا به عنوان عالم، حکیم و رحیم، تصدیق این نکته است که قوانین الهی و امر و نهی خداوند، همه برای رشد و تحول تربیتی آدمی است، در نتیجه باید در عملیاتی کردن آنها کوشش نماید. از این رو ایمان در تعبیر امام رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله این‌گونه تعریف شده است: «ایمان، معرفت و باور قلبی و اقرار به زبان و عمل به اعضا و جوارح است»^۲.

ج. رابطه تقوایی

اگر انسان در رابطه ایمانی ارتقاء یابد، خدامحور می‌شود و هدایت‌ها و اوامر و نواهی الهی را در زندگی اصل قرار داده، منطبق با آنها عمل می‌کند. او کوشش می‌نماید که خود را در حفاظت و صیانت از تخطی از دستورات پروردگار قرار دهد و به هیچ وجه عصیان نکند. تقوا و خدامحور بودن در رفتار، به معنای التزام و پای‌بندی به شایسته‌ترین الگوهای رفتاری است که زمینه سعادت را در زندگی آدمی فراهم می‌سازد و نه تنها برای زندگی در این جهان بهترین پیامدهای روان‌شناختی و تربیتی را دارد، بلکه حیات طیبه جاوید را تضمین می‌نماید.

امام رضا علیه السلام، تقوا را مرحله‌ای بالاتر از ایمان^۳ دانسته است و این بدین مفهوم است که انسان در مسیر ارتقای ایمانی باید به جایی برسد که جز بر محور هدایت‌های الهی

۱ عبدالرضا میناگر، اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۶۸.

۲ الإیمان معرفة بالقلب وإقراراً باللسان وعمل بالأركان. (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۳۴۸)

۳ والتقوى افضل من الايمان بدرجة. (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۴۴۵)

نچرخد تا زندگی سعادت‌مندانه‌ای را در دنیا و آخرت برای خویش پدید آورد؛ به عبارت دیگر این بزرگ‌ترین امتیاز مردان الهی است که محور اصلی زندگی آنها، خدای تعالی و عشق به شعایر الهی است که از اصول اعتقادی، اجتماعی و عبادی اسلام نشأت گرفته‌اند^۱ و از نشانه‌های تقوا^۲ محسوب می‌شوند.

یکی از بزرگان اهل سنت، رابطه تقوایی و خدامحوری امام رضا علیه السلام را چنین بیان داشته است: «وَ كَانَتْ حَرَكَاتُهُ وَ سَكَنَاتُهُ جَمِيعاً لِلَّهِ وَ فِي اللَّهِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ وَ لَا يَعْطَى إِلَّا بِالْحَقِّ وَ الْعَدْلِ»^۳؛ هر جنبش و سکونی در آن بزرگوار، برای خدا و در راه خدا بود و جز به حق و عدالت نمی‌گرفت و نمی‌داد. «از اسرار بقای، نام و راه امامان علیهم السلام در طول تاریخ، با همه تحولات و دگرگونی‌ها، همین است که آنها رنگ خدایی به خود گرفته، «وجه الله» و «وجهها عند الله» شده بودند و هرکس چنین شد، فنا و نابودی ندارد، چراکه (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ) ^۴ و (كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَانٌ وَ بَاقِي وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ).^۵

این محور در زندگی حضرت رضا علیه السلام آن چنان هویدا بود که رجاء بن ابی ضحاک که به دستور مأمون به مدینه رفت و امام را به مرو آورد، می‌گوید: «به خدا سوگند مردی را ندیدم که نسبت به خدای تعالی از وی بیشتر پرهیز و خوف داشته باشد و بیشتر از او در همه اوقات زندگی به یاد خدا باشد.»^۶ همین تقوای شدید از خدا و توجه عمیق آن حضرت به خدا بود که در همه حال و همه جا، آن بزرگوار را مستقیم و استوار نگاه می‌داشت و موجب می‌شد که هیچ چیز در روح استوار و خدائی او تأثیری نگذارد.^۷

د. رابطه توکلی

^۱ علی مشکینی، درس‌های اخلاق، ترجمه علی‌رضا فیاض، ص ۲۰۵.

^۲ (وَ مَن يَعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ) (حج، آیه ۳۲)

^۳ مدینه اکبری، «اخلاق امام رضا علیه السلام از نگاه روایت»، مجموعه مقالات جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام، ص ۱۵۱.

^۴ قصص، آیه ۸۸.

^۵ الرحمن، آیات ۲۶ و ۲۷.

^۶ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۴۲۳.

^۷ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۰۱.

توکل به خدا به معنای اعتماد کردن به او در کارها است.^۱ در شرع، تأکید بر این است که اعتماد بر خداوند متعال باید در جمیع امور باشد؛^۲ یعنی انسانی که خدا را قادر مطلق می‌خواند، به قدرت نامتناهی او تکیه کند و برای انجام کارها این پشتوانه همیشگی را احساس نماید و هیچ احساس ناتوانی و ترسی در مسیر اقدامات مدبرانه خود، به خویش راه ندهد.

در فرهنگ دینی، توکل مفهومی زندگی‌بخش، محرک و حماسی دارد. قرآن به عنوان اساس نامه تربیت دینی، می‌فرماید: **(فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)**^۳؛ و چون (کاری را) قصد کردی، بر خدا توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد. امام رضا علیه السلام در پاسخ به شخصی که حد توکل را پرسید، فرمود: **(أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا)**^۴؛ این که با وجود خدا، از هیچ کس ترسی.

هـ. رابطه رضایت و تسلیم

رضایت و خشنودی بنده از خدا و قضا و حکم الهی و رسیدن به مقام رضا، از ثمرات برقراری روابط معرفتی، ایمانی، تقوایی و توکل است. فرد با ارتقاء در این روابط، آن‌چنان به پروردگار خویش نزدیک می‌شود که نه تنها از همه آنچه خدا به وی داده احساس رضایت دارد، بلکه حوادثی را که به حکم و اقتضای تقدیر الهی اتفاق می‌افتد نیز می‌پذیرد و در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورد. این مقام حاصل نمی‌شود، مگر برای کسی که به مرتبه اعلای یقین رسیده باشد و مراتب و درجات کمال را در روابط با خدا پیموده باشد.^۵

امام رضا علیه السلام رضا و تسلیم را دو رکن مؤثر ایمان دانسته که برای نیل به کمال حقیقی ضروری است؛^۶ به عبارت دیگر وقتی بنده، خود را در قلمرو ربوبیت خدا می‌بیند و همه

^۱ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۵۶۷.

^۲ علی مشکینی، درس‌های اخلاق، علی‌رضا فیاض، ص ۱۱۵.

^۳ آل عمران، آیه ۱۵۹.

^۴ امالی صدوق، ص ۳۱۱، ح ۳۶۰.

^۵ جعفر سجّادی، فرهنگ اسلامی، ج ۲، ص ۵۹.

^۶ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۱، ص ۳۱۸.

تقدیرات و تدبیرات خداوند را بر مبنای حکمت و مصلحت می‌شناسد، بر آنچه خدا درباره او خواسته و مقدر کرده است، صبور و راضی و تسلیم می‌شود. رسیدن به این کمال نفسانی، به بنده آرامش روانی می‌بخشد و او را از تلاطم روحی و تشویش و نگرانی می‌رهاند. این حالت روحی در تکالیف دینی و الهی هم اثر می‌گذارد و سبب می‌شود که تکالیفی از سوی خداوند برای او مقرر شده است، تسلیم شود و همه آنها را مایه خیر و سعادت خود بداند. در حدیث قدسی آمده است: «مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي و لَمْ يُؤْمِنْ بِقَدْرِي، فَلْيَتَمَسَّ إِلَهًا غَيْرِي»^۱؛ هر کس به قضای من راضی نیست و به تقدیر من ایمان ندارد، پس در پی خدایی دیگر غیر از من باشد.

آنچه انسان را به این مرحله از «رضا» می‌رساند، معرفت خداست. هر که خداشناس‌تر باشد، نسبت به خواست او تسلیم‌تر است. امام باقر علیه السلام در حدیثی به این نکته اشاره می‌فرماید: «أَحَقُّ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ بِالتَّسْلِيمِ لِمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ عَرَفَ اللَّهُ»^۲؛ شایسته‌ترین مردم برای تسلیم به قضای الهی و آنچه خداوند مقدر کرده است، آن کس است که خدا را خوب بشناسد. بنابراین، از آن‌جا که انسان موحد، خداشناس و خداپاور، به حکمت الهی معتقد است، تسلیم قضا و تقدیر و مشیت پروردگار می‌شود و به این وسیله، مراتب معرفت و عبودیت و محبت خود را به مولایش ابراز و اثبات می‌کند. این تسلیم بودن در مسائل مربوط به رزق و تن‌درستی و فقر و غنا، موجب رهایی از دغدغه‌های بی‌جا و فشارهای روحی می‌شود، چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِمَا قَسَمَ لَهُ، إِسْتِرَاحَ بَدَنُهُ»^۳؛ هر کس به آنچه خدا برای او تقسیم کرده راضی باشد، بدنش استراحت و آسایش می‌یابد.

و. رابطه عبادی

«عبادت» به معنای غایت تذلل و نهایت فروتنی و طاعت بنده است.^۴ ظاهر عبادت، عبارت است از انجام پاره‌ای از اعمال توسط اندام بدن، مانند رکوع، سجده و طواف، اما

^۱ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۳۸.

^۲ همان، ص ۱۵۳.

^۳ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۳۹.

^۴ راغب اصفهانی، مفردات، ج ۳۳۰.

حقیقت عبادت، عبودیت است و این که انسان خود را در برابر ربّ خویش، در مقام مملوکیت و مربوبیت قرار دهد.^۱

هدف نهایی از خلقت انسان و تربیت دینی، رساندن آدمی به مرحله عبودیت است. امام رضا علیه السلام برقراری رابطه عبودیت با خداوند را تجسم عملی و عینی خداشناسی و خداجویی و رابطه بنده با خدا می دانست و خود آن را در همه لحظات زندگی، عملیاتی می ساخت. رجاء بن ابی ضحاک درباره نماز شب آن حضرت می گوید: «چون ثلث آخر شب می شد، برمی خاست، به تسییح، تحمید، تهلیل و استغفار می پرداخت، مسواک می زد و سپس به نماز شب می ایستاد.»

امام رضا علیه السلام خود را در مقام عبودیت، وامدار خویشاوندی اش با رسول الله نمی دانست، بلکه آن را نتیجه تقوا و اطاعت از خدا می دانست. ایشان این حقیقت را به برادرش زید، نیز گوشزد فرمود: «ای زید! از خدا بترس که آنچه ما بدان رسیده ایم به وسیله همین تقوا بوده و هر که تقوا نداشته باشد و خدا را مراقب خود نداند، از ما نیست و ما از او نیستیم.»^۲

۲. روابط انسان با خویشتن

دسته دیگر از مناسبات انسانی که در تربیت مطلوب انسان مؤثر است، مناسبات او با خویشتن است. برخی از این مناسبات عبارت اند از:

الف. خودشناسی

خودشناسی به مفهوم درک درست انسان از خویش، ویژگی ها، نیازها و توان مندی هایش است؛ به بیان دیگر، خودشناسی عبارت است از فطرت و درک داشته ها و آنچه باید بشود و توان مندی هایی که می تواند از آنها در تحوّل به سوی نقطه مطلوب استفاده کند. انسان از طریق خود شناسی، با پی بردن به اعماق نفس، آن را به عنوان آیتی از آیات الهی و مظهر بسیاری از صفات الهی می شناسد؛ یعنی از طریق شناخت حصولی، به نوع

۱ خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۸۱.

۲ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۵۳۷.

دیگری از خدانشناسی حصولی دست پیدا می‌کند. آیات (وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ) ناظر به همین معرفت خویش است که خدانشناسی نیز در آن است.

امام رضا علیه السلام در حدیثی، از خودشناسی به عنوان بهترین تعقل یاد کرده است.^۲ آدمی با خودشناسی، هم قدر خود را می‌داند و می‌فهمد که چگونه باید زندگی کند و هم به خدانشناسی می‌رسد. در مورد این که خدانشناسی لازمه خودشناسی است امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف ربه»^۳؛ هرکس خود را بشناسد، به حقیقت خدا را شناخته است.

انسان برای قدرشناسی، باید حدود، احتیاجات، مضار و منافع خود را بشناسد تا در نتیجه، از حد خود تجاوز نکند و از افراط و تفریط نسبت به خود بپرهیزد و یا به تعبیر قرآن کریم، خود را فراموش نکند. امام علی علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ لَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ»^۴؛ خدا رحمت کند کسی را که قدر خودش را بشناسد و از حد خود تجاوز ننماید.

ب. علم‌جویی

از جمله اموری که در نظام تربیتی، در حیطه مناسبات آدمی با خویش باید مورد توجه قرار گیرد، فراگیری علوم است. دانش برای درک و فهم عمیق از جهان هستی، چراغ راه و نشانه است.^۵ علم گنجینه کمال است که با جست‌وجوگری و پرسش می‌توان به آن‌ها دست یافت.^۶ اصولاً علم‌جویی و فراگیری دانش از وظایف انسانی است که ریشه در فطرت حقیقت‌جوئی و علم‌خواهی آدمی دارد.

۱ ذاریات، آیات ۲۰ و ۲۱.

۲ افضل العقل معرفة الانسان نفسه. (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۵۲)

۳ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۴۵۲.

۴ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۵ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ عِلْمَاتِ الْفَقْهِ: الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ» (میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۶)

۶ امام رضا علیه السلام فرموده است: «العلم خزائن ومفاتيح السؤال» (مرتضی فرید، الحدیث، ج ۲، ص ۱۲)

اسلام نیز بر علم‌آموزی تأکید ورزیده و آن را برای مؤمن واجب و فریضه دانسته است و تأکید کرده مؤمنی که به این واجب می‌پردازد، نزد خدا محبوب است.^۱ امام رضا علیه السلام یکی از ویژگی‌های ده‌گانه عاقل را خسته نشدن از فراگیری علم در طول عمر می‌داند،^۲ زیرا علوم و معارف مختلف نسبت به یکدیگر، جنبه‌زاینده‌گی دارند؛ به این معنا که هر کشف و اطلاع جدیدی، موج و تلاطمی در دریای معارف انسانی ایجاد می‌کند و سبب بالندگی معارف دیگر می‌شود.

شایان ذکر است که علوم امامان معصوم علیهم السلام نیز که در طول علم بی‌پایان خداوند متعال است، خود از مهم‌ترین عوامل جهت کشف مجهولات انسان و جهان هستی است. امام رضا علیه السلام کسی را که علوم امامان علیهم السلام را فراگیرد و به دیگران نیز بیاموزد، شامل رحمت الهی می‌داند.^۳

ج. شکوفاسازی عقل

آدمی دارای توان‌مندی عقلانی است که در فرآیند تربیت و با فراگیری علم و کسب تجربه شکوفا می‌شود و افزایش پیدا می‌کند.^۴ امام رضا علیه السلام عقل و توان‌مندی درک آدمی را عطیه‌ی خدایی می‌داند که باید آن را رشد داد و نباید با ظاهرسازی خود را عاقل دانست که این اقدامی ضد عقل است.^۵ ایشان در بیانی دیگر عقل را توان‌مندی‌ای می‌داند که با آن، صادق از کاذب باز شناخته می‌شود و پیامبری پیامبر راستین را کذب مدّعی دروغین را اثبات می‌کند.^۶

۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰)

۲ وَلَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ دَهْرِهِ. (ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۴۳)

۳ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَى أَمْرَنَا. قِيلَ: كَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُمْ؟ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ. (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰)

۴ امام علی علیه السلام: «العقل غريزة تزيد بالعلم والتجارب» (عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم، شرح محمد تقی خوانساری، ص ۶۷)

۵ العقل حياء من الله... و من تكلف العقل لم يزد بذلك إلا جهلاً. (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴)

۶ العقل يُعَرَفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَ الكاذبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكذِّبُهُ. (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵)

از دیدگاه امام رضا علیه السلام کسی که توان مندی عقلانی خود را رشد نداده، گرچه خود را متدین می‌بیند، اما از چشم افتاده است.^۱ کسی که عقل خود را پرورانده، با جهل و

نادانی که دشمن اوست، همراه است و کسی که عقل خود را پرورانده باشد، عقل، دوست و همراه اوست.^۲ هم‌چنین در نگاه امام علیه السلام کسی که توان مندی فهم عقلانی خود را ارتقاء بخشیده باشد، با دیگران به صورت مطلوب روابط عاطفی برقرار می‌کند و دیگران را دوست دارند.^۳ او بردبار، عالم و در هنگام لزوم، اهل سکوت است.^۴

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

عقل فرد مسلمان، کامل نمی‌شود، مگر آن‌که در او ده خصلت وجود داشته باشد: از او خیر و خوبی امید برود، دیگران از بدی و شر او در امان باشند، خیر اندک دیگری را بسیار و بسیار خود را اندک به شمارد، هرچه حاجت از او خواهند دل‌تنگ نشود، در عمر خود از فراگیری دانش خسته نشود، فقر در راه خدا برایش از توان‌گری محبوب‌تر باشد، خواری در راه خدا را از عزت نزد دشمنش بیشتر دوست داشته باشد، گم‌نامی را از شهرت، خواهان‌تر باشد. سپس فرمود: دهم و کدامین دهم! پرسیدند: دهم چیست؟ فرمود: احدی را ننگرد، جز این که بگوید: او از من بهتر و پرهیزکارتر است.^۵

د. پرورش فضیلت‌جویی

^۱ لا یعبأ باهل الدین ممن لا عقل له. (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷)

^۲ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ» (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱)

^۳ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ. (بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۵۸)

^۴ امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ الْفَقْهِ: الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالصَّمْتُ...» (ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۴۵)

^۵ لا یتمُّ عَقْلُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْأَخِيْرُ مِنْهُ مَأْمُوْلٌ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُوْنٌ، یَسْتَكْتَرُ قَلِيْلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ وَ یَسْتَقْبَلُ كَثِيْرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ، لَا یَسْأَمُ مِنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ وَ لَا یَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ دَهْرِهِ، الْفَقْرُ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى وَ الذُّلُّ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فِي عَدُوِّهِ وَ الْحُمُوْلُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهْرَةِ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَاشِرَةُ وَ مَا الْعَاشِرَةُ؟ قِيْلَ لَهُ: مَا هِيَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ أَنْتَی. (ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۴۳)

یکی دیگر از گرایش‌های ویژه و فطری انسانی، «پرورش حس فضیلت‌جویی» است. مقصود از فضیلت، همان ارزش اخلاقی تثبیت شده در وجود انسان است. اصل گرایش به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، امری مسلم است. پرورش حس فضیلت‌جویی، به معنای هدایت انسان در شناخت مفهوم و مصداق فضیلت‌ها و رذیلت‌ها، تقویت گرایش به فضایل و زدودن موانع فرا روی این گرایش است. این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که به عنوان یکی از غایات و اهداف بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ذکر شده است.^۱

امام رضا علیه السلام مؤمن را کسی می‌داند که متصف به فضایل و ارزش‌های اخلاقی مانند عدالت، صداقت و وفای به عهد است.^۲ هم‌چنین امام علیه السلام خیر و سعادت امت اسلامی را در ارتباط‌های مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و حول محبت به یکدیگر، امانت‌داری، اجتناب از محرّماتی چون غیبت و تهمت دانسته است. در کلام آن حضرت آنچه در قیامت و میزان، پربهاترین و مفیدترین صفات برای مؤمنان است، توجه به مجموعه فضایل انسانی است که از آن به حسن خلق تعبیر شده است.^۳

ه. پرورش گرایش به کمال

هر انسانی مایل است به طریقی رشد کند و از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب نائل شود. تلاش برای سیر از مرحله پایین به مرحله‌ای بالاتر، ریشه در گرایش درونی انسان دارد. تکاپوی انسان برای ایجاد تغییر در عرصه‌های مختلف زندگی، پاسخی به تمایل درونی او برای ایجاد تحوّل در زندگی است، زیرا انگیزه رسیدن به وضعیت مطلوب است که سبب حرکت می‌شود.

سیر تربیتی در دین مبین اسلام بر محور تقوا و تمایل به کمال و کمال‌جویی قرار گرفته است و انسان در صورتی می‌تواند به قرب الهی نایل شود که در صدد بسط و گسترش کمالات وجودی خویش برآید. امام

^۱ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْخُلُقِ» (بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰)
^۲ من عامل الناس فلم يظلمهم و حَدَّثْتَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدْتُهُمْ فَلَمْ يَخْلِفْهُمْ فَهُوَ مُؤْمِنٌ كَمَلَتْ مُرُوَّتُهُ وَ ظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ وَ وَجِبَتْ أُخُوَّتُهُ وَ حُرِّمَتْ غَيْبَتُهُ. (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۳۰)

^۳ مَا مِنْ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ. (صحيفة الامام الرضا علیه السلام، ص ۶۴ و ۶۵)

رضا علیه السلام درباره نیل به کمال واقعی و دوری جستن از سرگرمی‌های دنیوی و کمالات غیر واقعی می‌فرماید: «بدانید که توجه انحصاری به زندگی دنیا و دل‌بسته شدن به آن، بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخر فروشی است... پس مراقب باشید که دنیا فریب‌تان ندهد».^۱

۳. روابط انسان با انسان‌های دیگر

دسته دیگری از جنبه‌های فطری آدمی که به صورت گرایش و توان‌مندی در هر فردی وجود دارد، گرایش ارتباط با دیگران است و از این رو انسان، «مدنی^۲ بالطبع» نامیده شده است. به فعلیت رساندن این توان‌مندی و عملیاتی ساختن این گرایش در همهٔ مراحل زندگی و در معاشرت آدمیان با یکدیگر، می‌تواند در تحولات تربیتی و ظهور توان‌مندی‌های بالقوه‌اش به صورت مطلوب و بالنده، مؤثر باشد. فعلیت یافتن این گرایش، موجب درک بهتر خود و کشف ویژگی‌ها، توان‌مندی‌ها و ناتوانی‌های خود و دستیابی به تصویری درست و واقع‌بینانه از خود و ساخت شخصیت خویش‌تن می‌شود.^۲

معیار مطلوبیت این نقش تربیتی، هماهنگ بودن این مناسبات با روابط فطری انسان با خدا است که در لسان شرع و سیرهٔ معصومان علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام به عنوان رضای پروردگار مطرح است؛ این بدین معناست که هر نوع برقراری ارتباط با دیگران، نقشی در تحولات مطلوب تربیتی انسان ندارد. ارتباط مثبت انسانی با کسانی تأثیر تربیتی دارد که از انسان بودن، بیگانه نشده باشند و حرمت خدا، انسان و ارزش‌های فطری را حفظ کرده باشند. در مقابل برقراری چنین رابطه‌ای با آنان که با خدا، افراد بشر و ارزش‌های انسانی، سرکینه و دشمنی دارند، انسان را از نظر تربیتی به سقوط می‌کشاند.

^۱ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۸.

^۲ احمد حسین شریفی، همیشه بهار، اخلاق و سبک زندگی اسلامی، ص ۲۰۱.

دامنه روابط انسانی از نظر کمی و کیفی، بسیار وسیع و متنوع است و شامل ارتباط با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام،^۱ والدین،^۲ همسر، فرزندان،^۳ ارتباط مسلمان با مسلمان^۴ و مسلمان با غیر مسلمان می‌شود. اما این که به طور کلی در نظام تربیتی مورد نظر امام رضا علیه السلام، چه نوع ارتباطی با دیگران مطلوب است، در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

الف. الفت و محبت

میل به محبت دیدن و محبت‌ورزی از گرایش‌های فطری انسانی است که فرد در هر دوره‌های از زندگی، به آن نیازمند است. انسان باید از آغازین لحظات ورود به این جهان تا آخرین زمان وداع از این دنیا، متناسب با دوره رشد خویش، این نیاز عالی و اساسی را تأمین کند.^۵ ارتباط الفتی و محبتی با دیگران در مصادیق گسترده آن، تبلور و شکوفایی این میل فطری است،^۶ از این رو محبت باید در کلیه روابط انسان با دیگران، اساس رابطه باشد تا اهداف تربیتی، تحقق یابند.

^۱ امام رضا علیه السلام فرموده است: «إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَافْرَحْ لِفَرَحِنَا.» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۳) امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «لَا يَعْرِفُ اللَّهَ وَدِينَهُ وَحُدُودَهُ وَشَرَائِعَهُ بِغَيْرِ ذَلِكَ الْإِمَامِ.» (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۹۰)

^۲ (قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمَ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) (انعام، آیه ۱۵۱) (وَقَضَىٰ رَبِّيَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا) (اسراء، آیه ۲۳)

^۳ (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ) (انفال، آیه ۲۸) (إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ) (تغابن، آیه ۱۵)

^۴ (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (حجرات، آیه ۱۰) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «مَنْ أكرمَ إِخَاهُ الْمُسْلِمَ يَلِطْفُهُ بِهَا وَمَجْلِسٌ يَكْرُمُهُ بِهِ، لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَمْدُودًا عَلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ.» (بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳۹۵).

^۵ محمد رضا احمدی، «نقش صلح رحم در بهداشت روانی»، ماه‌نامه معرفت، شماره ۴۸، ص ۳۲.

^۶ علی فلاح رفیع، «روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، دو فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳، ص ۴۲.

این نوع رابطه بسیار مهم است و تأثیرات تربیتی عمیقی بر انسان‌ها دارد، لذا دین جز حبّ چیز دیگری نیست^۱ و مؤمن، بدون آن به هدف غایی و رضوان الهی نمی‌رسد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «و الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَ لَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوْ لَا أُدَلِّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ»^۲؛ به خدایی که جانم در اختیار اوست، وارد بهشت نمی‌شوید، مگر مؤمن شوید و مؤمن نمی‌شوید، مگر این‌که یکدیگر را دوست بدارید. آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که با انجام آن، یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن بین یکدیگر را رواج دهید.

باید توجه داشت که میزان ارزش محبت آدمیان به یکدیگر در دامنه وسیع آن، وابسته به محبت و رضایت خداست. آنچه خدایی است و ارتباط بیش‌تری با خدا و ارزش‌های الهی و انسانی دارد، با محبت شدیدتر، مستحکم‌تر و با دوام‌تر، زمینه رشد تربیتی را فراهم می‌سازد،^۳ از این‌رو اگرچه محبت انسانها انواعی اعم از محبت ناشی از اشتراک در فضیلت، محبت ناشی از اشتراک در منفعت و محبت ناشی از اشتراک در لذت دارد، اما در نظام تربیتی امام رضا علیه السلام محبت ناشی از اشتراک در خدا و رضایت خدا، از همه مهم‌تر و با ارزش‌تر است، لذا درآموزه‌های تربیتی امام رضا علیه السلام رابطه محبتی میان افراد و مظاهر محبت مانند: دست دادن، برآوردن نیازهای یکدیگر، رفع غم و اندوه از هم و فراهم‌سازی زمینه خوش‌حالی هم‌دیگر، امری لازم است دانسته شده و به آن توصیه گردیده است. آن حضرت حتی ادخال سرور در قلب مؤمن و خوش‌حال کردن او، به عنوان یکی از مصادیق محبت مبتنی بر رضایت خدا را از بالاترین عمل‌ها نزد خدا بعد از واجبات عبادی دانسته است:

تزاوَرُو تَحَابُّوا وَ تَصَافَحُوا... وَ احْرَصُوا عَلَى قِضَاءِ حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ادْخَالَ السَّرُورَ وَ دَفَعَ الْمَكْرُوهَ عَنْهُمْ، فَانَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَفْضَلَ مِنْ إِدْخَالِ السَّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ؛^۴

۱ امام صادق علیه السلام فرمود: «هل الدّين إلا الحبّ» (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه حمید رضاشیخی، ج ۳، ص ۳۹۵)

۲ ابوالفضل علی طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۱۵۷.

۳ عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، ص ۱۹۲.

۴ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۴۷.

به زیارت یکدیگر بروید، به یکدیگر محبت کنید و با هم مصافحه کنید... و بر رفع نیازهای مؤمنان و ایجاد کردن خوش حالی برای آنان و رفع ناخوشی‌ها از ایشان، حریص باشید چراکه بعد از انجام واجبات، کاری بهتر از ایجاد خوش حالی برای مؤمن، نزد خداوند بزرگ نیست.

ب. عدالت

از جمله مناسبات انسانی با دیگر انسان‌ها، رابطه عدالتی است. برقراری این رابطه به این معناست که به حقوق دیگران احترام گذاشته شود و حق‌شان تضییع نگردد؛ به عنوان مثال همه انسان‌ها از حق حیات و سلامتی برخوردارند و حق ندارند به یکدیگر آسیب بزنند و یا در صدد قتل هم‌دیگر برآیند. انسان‌ها دارای انواعی از حقوق طبیعی، الهی، دینی و اجتماعی هستند. رعایت حقوق هر انسانی تا وقتی که خود آن حقوق را از بین نبرده،

لازم و فعل تربیتی باارزشی است که انسان را متکامل می‌سازد. در مقابل، تعدی و تجاوز به حقوق دیگران، از موانع تربیت مطلوب و سیر تکامل آدمی محسوب می‌شود.

«عدالت»، فضیلتی فطری، دینی و اجتماعی است که ائمه علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام بر آن تأکید دارند. ایشان در نکوهش تحقیر فقیر و حفظ عدالت، حتی در سلام کردن به فقیر و غنی، می‌فرماید: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ»^۱؛ کسی که فقیر مسلمان را ملاقات نماید و بر خلاف سلام کردنش بر فرد ثروت‌مند، بر او سلام کند، روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می‌کند که بر او خشمگین است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا»^۲؛ هر کس به نیازمند کمک مالی کند و با مردم منصفانه رفتار نماید، مؤمن حقیقی است.

ج. تعاون و احسان

^۱ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۵۲.

^۲ همو، خصال، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۴۷.

میل کمک به دیگری و احسان، از جمله امیال فطری است که آدمی را از حیوانات جدا می‌سازد. اجرایی کردن احسان به دیگران توسط مؤمنان، باعث میشود زمینه تحقق عدالت اجتماعی به عنوان یکی از برجسته‌ترین اهداف تربیت اسلامی، در میان جامعه بشری فراهم گردد. روابط اجتماعی بر اساس احسان، پیوندی انسانی را میان همه افراد مؤمن و حتی دیگر افراد بشر، برقرار می‌سازد، زیرا بنا به فرمایش امام علی علیه السلام انسان، بنده احسان است.^۱

امام رضا علیه السلام درباره پیامد مطلوب اقدام به رفع اندوه از مؤمن می‌فرماید: «من فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهِ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲؛ هر کس اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید، خداوند در روز قیامت، اندوه را از قلبش برطرف می‌سازد. بر این اساس، مؤمنان، در راستای تربیت خود و دیگران، نسبت به یکدیگر، احساس قرابت و هم‌دردی میکنند،

به کمک یکدیگر می‌شتابند، برای رفع نیاز هم‌دیگر اقدام مینمایند، با بخشش به هم، مشکلات مالی یک دیگر را حل می‌کنند و هم‌دیگر را از نعمت‌های خداوند، برخوردار می‌سازند.^۳

امام رضا علیه السلام در حدیثی دیگر می‌فرماید:

و اعلموا انکم لا تشکرون الله بشیء بعد الایمان بالله و رسوله و بعد الاعتراف بحقوق اولیاء الله من آل محمد: احب الیکم من معونتکم لاخوانکم المؤمنین علی دنیاہم الّتی هی معبر لهم الی جنّات ربہم»^۴. بدانید که پس از ایمان به خدا و رسولش و پذیرش حقوق اولیای او از آل محمد، خدا را با عملی محبوب‌تر از یاری‌رسانی در امور دنیوی به برادران مؤمن‌تان، شکر نمی‌کنید؛ دنیایی که از آن به سوی بهشت خدا عبور می‌کنند.

^۱ الإنسان عبْدُ الإحسان. (عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم، شرح محمدتقی خوانساری، ج ۷، ص ۶۹)

^۲ اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

^۳ محمد محمدی اشتهاردی، حکایت‌های شنیدنی، ج ۱، ص ۵۴.

^۴ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۵۵.

در بررسی سیره آن امام همام علیه السلام نیز ویژگی بذل و بخشش بسیار به چشم می خورد. ایشان بسیار صدقه پنهانی می داد و اموال خویش را بین نیازمندان تقسیم می نمود، به گونه ای که روایت شده آن حضرت یک سال، تمام ثروت خود را در روز عرفه بین نیازمندان تقسیم کرد.^۱

د. رابطه کرامتی

آدمی به صورت طبیعی، از کرامت و شرافت ذاتی و برتری وجودی نسبت به حیوانات برخوردار است: (و لقد **کرّمنا بنی آدم...**)^۲، و از این رو، برای ارتقای عزّت، ارزش مندی و شرافت خود کوشش میکند و از پستی و فرومایگی بیزار است. کرامت به معنای بزرگواری و نزاهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است.^۳

انسان، موجودی شریف است که در نیکوترین شکل آفریده شده است: (**لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ**)^۴، وی باید از جایگاه خود در هستی آگاه باشد و بداند که برترین آفریدگان است و همه هستی برای او و به خاطر او آفریده شده اند، خداوند او را جانشین خود در روی زمین قرار داده و او را به برترین جایگاه در عالم هستی فراخوانده است.

در آموزه های دینی، دستورات و برنامه های متعددی یافت می شود که انسان را به ارزش نهادن به خود و دیگران فرا می خواند و احترام به خود و دیگران، و خدمت به ایشان را ارزشی متعالی می شمارد؛ برای نمونه، فرهنگ صالح نگری و خیراندیشی، یکی از محورهای اساسی در **بعد** تکریم است و در قرآن کریم و سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به طور جدی به آن توجه شده است. قرآن کریم در بیش از هفتاد مورد، ایمان و عمل صالح را کنار هم قرار داده و بدین سان، ارج نهادن به خود و دیگران را در قالب فرهنگ خدمت رسانی، صالح نگری و خیراندیشی ترویج کرده است. عمل صالح که در سطوح مختلفی قابل انجام

۱ باقر شریف قرشی، پژوهشی دقیق در زندگی امام رضا علیه السلام، ترجمه جاسم رشید و محمد صالحی، ج ۱، ص ۵۷.

۲ اسراء، آیه ۷۰.

۳ محسن فرمهینی فراهانی؛ محمد حسن میرزا محمدی و امیر سالاری، «بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق علیه السلام»، دو ماهنامه دانشور رفتار، شماره ۳۹، ص ۷۱.

۴ تین، آیه ۴.

است، موجب می‌شود انسان‌ها به‌گونه‌ای محسوس، تقرّب، معنویت و بندگی را احساس کنند. حفظ حرمت و اکرام برادر دینی، کمک به او در انجام وظایف و رفع مشکلات،^۱ ایجاد جو مناسب و مطلوب برای او،^۲ ارشاد او^۳ و بسیاری موارد دیگر در حفظ و رشد اخوت و برادری مؤثرند.^۴

کرامت و عزّتخواهی، سبب افزایش توان‌مندی‌های ارزشی انسان می‌گردد و زمینه برقراری ارتباط مطلوب با دیگران فراهم را می‌سازد؛^۵ به عبارت دیگر عزّت اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی، مبتنی بر عزت روان‌شناختی و احساس ارزش‌مندی افراد مؤمن

است. درباره ارزش‌مندی افراد انسانی به پاسخ امام رضا علیه السلام به سؤال زکریا بن آدم در مورد سپرده شدن کودکی از اهل ذمه به دلیل فقر و گرسنگی به عنوان برده به وی اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «انسان آزاده، خریده و فروخته نمی‌شود. این کار شایسته تو نیست و از ذمیان نیز روا نمی‌باشد.»^۶ ایشان همچنین در حدیثی دیگر، در خصوص عواقب درشت‌خویی و عدم حفظ عزّت و کرامت افراد انسانی فرموده است: «درشت‌خویی و بداخلاقی، عمل آدمی را تباه می‌سازد، آن‌گونه که سرکه، عسل را تباه می‌کند.»^۷ امام صادق علیه السلام نیز درباره برخی از افعال مانند: عیب‌جویی و سرزنش که به کرامت انسانی آسیب می‌زند، می‌فرماید:

۱ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قَصَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ، أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ.» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۲۲)

۲ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «الْقُحَّاقُ بِوَجْهِ مُنْبَسِطٍ.» (ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۲)

۳ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «الْمُؤْمِنُ مِرَاةٌ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ، يَنْصَحُهُ إِذَا غَابَ عَنْهُ وَ يَمِيطُ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ إِذَا شَهِدَ وَ يَوْسَعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ.» (راوندی، النوادر، ص ۹۹).

۴ علی رضا اعرافی و دیگران، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۵ زینب کاوندی و محمد مهدی صفورایی پاریزی، «عزّت نفس، احترامی به ملکوت خویشتن با نگاهی از دریچه روان‌شناسی و دین»، فصل‌نامه طهورا، شماره ۱۲، ص ۱۶۶ - ۱۷۱.

۶ زکریا بن آدم: «سألت الرضا علیه السلام عن رجل من اهل الذمة اصابهم جوع فأتى رجل بولد له، فقال: هذا لك اطعمه و هو لك عبد. قال: لا يبتاع حرٌّ، فانه لا يصلح لك و لا من اهل الذمة.» (تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۷۷، ح ۳۳۱).

۷ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۶۸.

مَنْ أَحْصَى عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ عَيْبًا لِيُعَيْبَهُ بِهِ يَوْمًا مَا كَانَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)؛

هر کس در صدد عیب‌جویی برادر مؤمنش برآید، تا با آن روزی او را سرزنش کند، مشمول این آیه است: «کسانی که دوست دارند، زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع پیدا کند، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت خواهد بود و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»

۴. روابط انسان با جهان هستی

آدمی در طول زندگی، با دنیای اطراف خود در ارتباط است. زمین و آسمان، کوه و دشت، جنگل و بیابان، دریا و خشکی، حیوانات و تمام جلوه‌ها و مظاهر ریز و درشت طبیعت، نمودی از قدرت و عظمت خالق و آفریننده هستی‌اند و بر دیدگاه انسان نسبت به زندگی، اثری ژرف دارند، بنابراین رابطه انسان با هر موجودی، بر اساس درک و آگاهی او از آن موجود است و اگر نسبت به موجودی درک و فهمی نداشته باشد، هیچ‌گاه مایل به او نخواهد شد.

علامه جعفری رحمة الله رابطه انسان با جهان هستی را در سه اصل بیان کرده است: شناخت این جهان تا عالی‌ترین حد ممکن، جدی گرفتن قوانین تکوینی جهان و احساس ملکوتی نسبت به این جهان که یکی از نتایج مهم جدی گرفتن آن است. با این احساس است که احساس تکلیف در درون آدمی می‌جوشد و از بیهوده‌گرایی و بی‌هدفی در این زندگانی، نجات پیدا می‌کند.^۲

رابطه انسان با جهان، صرفاً رابطه‌ای حسی و تجربی نیست، بلکه رابطه‌ی عقلانی، مهم‌ترین و باارزش‌ترین رابطه می‌باشد. کسانی که می‌خواهند با تکیه بر حس و تجربه، حقیقت انسان و جهان را بفهمند، ثمره‌ای جز انکار و نادیده گرفتن خود، جهان و آفریننده آنها نخواهند داشت. رابطه انسان با جهان، در بردارنده وابستگی خالص ارادی او به خدا و تمام حقایق هستی است و ایجاد چنین رابطه‌ای، وابسته به کیفیت ایمان، اعتقاد و نحوه روابطی است که با اجتماع، طبیعت و از همه مهم‌تر با خداوند دارد. اگر این روابط

^۱ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۱۰.

^۲ محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۳۵۰ - ۳۵۴.

براساس موازین عقل و دین باشد، رابطه صحیح است و ثمره خواهد داشت، در غیر این صورت، رابطه خارج از جایگاه مناسب بوده، نتیجه منفی و بدبختی را به همراه دارد.^۱

برقراری رابطه انسان با جهان هستی، ابعاد گوناگونی دارد، از قبیل: شناخت هستی به صورت یک پارچه، به گونه‌ای که دنیا و آخرت را در بر بگیرد، کشف ارتباط هستی با خدا، درک زیبایی‌های هستی، شناخت هدف‌مندی هستی، دستیابی به قوانین جهان، تسخیر جهان، عمران طبیعت، مسئولیت‌پذیری نسبت به موجودات، بهره‌برداری از طبیعت و عدم وابستگی به دنیا. در ادامه به عنوان نمونه، به چند رابطه پرداخته می‌شود:

الف. شناخت طبیعت

امام رضا علیه السلام شناخت هرچه بیش‌تر طبیعت و هستی را عبادت دانسته است،^۲ زیرا این شناخت، سبب توان‌مندی جامعه می‌شود. بدین لحاظ می‌توان شناخت طبیعت را از دو جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد: جهت اول این‌که شناخت عوامل طبیعی و نظم و

قانون حاکم بر آن، راهی به سوی شناخت پروردگار جهان است و جهت دوم این‌که شناخت طبیعت به طور جزئی و کشف قوانین حاکم بر آن، سبب توان‌مندی انسان و بالطبع باعث گسترش قدرت و حضور او در اجتماع می‌شود.^۳

ب. هدف‌مندی هستی

هدف‌مندی آفرینش آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنهاست، در جای جای قرآن به چشم می‌خورد و غایت‌مندی و حکیمانه بودن آفرینش آنها مورد تأکید قرار می‌گیرد. در آیاتی، تذکر داده می‌شود که برخوردار زیستن انسان، از اهداف آفرینش هستی است و او ضمن استفاده از برکات کیهانی برای به‌سازی زندگی این جهان، از طریق تماشای نشانه‌های نهفته در متن هستی، به شناخت خداوند نایل می‌آید. چنان‌که خداوند

^۱ مجتبی موسوی لاری، رسالت اخلاق در تکامل انسان، ج ۵۷.

^۲ لیست العبادة كثرة الصيام والصلوة وإتباع العبادة كثرة التفكير في أمر الله (ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۶۶۶).

^۳ علی رضا اعرافی و دیگران، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۲۰۷.

در قرآن کریم می‌فرماید: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ)^۱؛ بی‌شک در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است. درآیه‌ای دیگر می‌خوانیم: (وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)^۲؛ و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها نهاد و از هر گونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد، روز را به شب می‌پوشاند، قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه‌هایی وجود دارد.

امام رضا علیه السلام در مناظره با عمران صابی، به هدف‌مندی جهان آفرینش و مخلوقات می‌پردازد و با اشاره به آیه ۶۰ سوره مبارکه نحل^۳ کسانی را که به آخرت ایمان ندارند، متصف به زشتی و حماقت می‌کند، چراکه امکان ندارد خدا این جهان را بدون هدف آفریده باشد. آن حضرت هم‌چنین با اشاره به آیه ۲۷ سوره روم^۴، به آغاز و انجام جهان

توسط خداوند می‌پردازد و سپس خداوند را نوری معرفی می‌کند که خلقت را از آغاز تا پایان جهان مدیریت و هدایت می‌کند،^۵ بدون آن که نیازمند آن باشد.^۶

ج. بهره‌برداری صحیح از طبیعت

با توجه به این که طبیعت، امکانات و نعمت‌های فراوانی را برای رشد فردی و اجتماعی انسان در اختیار وی قرار داده،^۷ برخوردار از این امکانات، سبب طرح موضوع ضرورت و چگونگی بهره‌برداری صحیح انسان از طبیعت و جهان آفرینش می‌گردد. تصمیم‌های نادرست و اقدام‌های بی‌قاعده بشری، اختلال‌ها و

۱ آل عمران، آیه ۱۹۰.

۲ رعد، آیه ۳.

۳ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ).

۴ (وَهُوَ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ).

۵ هو نورٌ بمعنى أنه هادٍ لخلقِهِ من أهل السماء و أهل الارض.

۶ وهو غني عن العالمين.

۷ (هو الذي خلق لكم ما في الارض جميعاً) (بقره، آیه ۲۹)

لطمه‌های بزرگی را بر تعادل و سلامت محیط طبیعی وارد می‌کند و با اضمحلال طبیعت، نسل‌های آینده را از نعمت‌های عظیم الهی محروم می‌سازد.

امام رضا علیه السلام در حدیثی درباره بهره‌برداری صحیح از مال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ»^۱؛ به درستی که خداوند، داد و فریاد و تلف کردن مال و پُرخواشی و تمایلات افراطی را دشمن می‌دارد.

یاسر، خادم آن حضرت روایت کرده:

روزی غلامان میوه می‌خوردند و آنها را به تمامی نخورده، به دور انداختند. امام رضا علیه السلام به آنان فرمود: «سبحان الله! اگر شما از آن بی‌نیازید، کسانی هستند که بدان نیازمندند. به آنان بخورانید.»^۲

دیدگاه اسلام درباره کیفیت ارتباط انسان با طبیعت، برگرفته از اصول اعتقادی و تربیتی آن است که مبین بهره‌مندی از عوامل حیاتی برای نیروگیری در طریق تقوا، توجه به خدا، طی مدارج کمال و نیل به قرب ربوبی است، بنابراین موضعی که فرد مسلمان در برابر هستی اتخاذ می‌کند، نشان‌دهنده میزان اهتمام او در دستیابی به هدف غایی از این مسیر است.^۳

د. مسئولیت‌پذیری نسبت به مخلوقات خدا

یکی از انواع رابطه انسان با جهان هستی، این است که نسبت به آن مسئولیت‌پذیر باشد. از جمله مسئولیت‌های آدمی در این زمینه می‌توان به حفظ محیط زیست و عمران و آبادانی و بهره‌برداری مطلوب و بهینه از مخلوقات خدا اشاره نمود.

در اسلام حفظ زمین و پیش‌گیری از تخریب محیط زیست واجب شمرده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت حفظ زمین می‌فرماید: «تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَانْهَاكُمْ»^۴؛ از زمین حفاظت کنید، به

^۱ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۵۵.

^۲ اصول کافی، ج ۶، ص ۲۹۷.

^۳ علی رضا اعرافی و دیگران، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۲۰۵.

^۴ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۹۷.

درستی که آن مادر شماسست. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در حدیثی درباره مسئول بودن انسان نسبت به محیط زیست می‌فرماید: «اتقوا الله فی عبادہ و بلادہ، فإتکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم»^۱؛ تقوای الهی را در مورد بندگان و سرزمین‌ها رعایت کنید، زیرا شما نسبت به مکان‌ها و حیوانات هم مسئول هستید.

آباد کردن زمین و پایداری محیط زیست، از جمله مسئولیت‌های انسان است که خداوند متعال در قرآن کریم به آن اشاره نموده است: (هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَکُمْ)^۲؛ خداوند شما را از زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت. البته شایان ذکر است که کارگر حکومت اسلامی نیز باید بیش‌ترین همت خود را بر این امر اختصاص دهند.^۳ در این عمران و آبادانی علاوه بر این که باید کار از استحکام و اتقان برخوردار باشد،^۴ ضروری است که بیش از نیاز خانواده باشد تا جامعه نیز از آن بهره‌مند گردد، در این صورت به تعبیر امام رضا علیه السلام فرد هم‌چون مجاهدی است که در راه خدا جهاد می‌کند.^۵ آن امام همام، عمران و آبادانی طبیعت و ساخت و سازهای محکم و پایدار برای بهره‌برداری بهینه از آن در زندگی دنیا را وظیفه مؤمنان دانسته و در عین حال توصیه فرموده که وابسته به دنیا نشوند و از آن برای آخرت خویش استفاده نمایند.^۶

۵. نتیجه‌گیری

الگوی روابط مطلوب اسلامی با وجود توجه کامل به شیوه‌ها و راهکارهای نوین، نگرشی توحیدی به انسان دارد و او را سرمایه بی‌بدیلی می‌شمارد که دارای شأن و منزلت قدسی است، از این نظر غایت تمام فعالیت‌ها، تحقق رشد و بالندگی مادی و تکامل و تعالی معنوی انسان برای وصول به قرب حق است. برای

۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶.

۲ هود، آیه ۶۱.

۳ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخِرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ.» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

۴ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ.» (نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۸۳)

۵ إِنَّ الَّذِي يُطَلَّبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ، أَكْبَرُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۰۸)

۶ اعمل لدنیاک کاتک تعیش ابدأ واعمل لاخرتک کانک تموت غداً. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۹)

تبیین الگوهای مطلوب رفتاری در حوزه تربیت دینی، از سیره و نظام تربیتی امام رضا علیه السلام استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که روابط مطلوب انسانی، مناسباتی است که انسان از آن جهت که انسان است و از فطرت خاص انسانی برخوردار است، آنها را داراست. بر این اساس انواع روابط مطلوب چهارگانه اصلی و فرعی انسان که در نظام تربیتی امام رضا علیه السلام مشهود است، به شکل جدول زیر استخراج گردید:

جدول الگوی روابط مطلوب انسانی در نظام تربیتی امام رضا علیه السلام

ردیف	روابط اصلی	روابط فرعی
1	روابط انسان با خدا	1. رابطه معرفتی؛ 2. رابطه ایمانی؛ 3. رابطه تقوایی؛ 4. رابطه توکلی؛ 5. رابطه رضایی و تسلیمی؛ 6. رابطه عبادی.
2	روابط انسان با خویشان	1. خودشناسی؛ 2. علم‌جویی؛ 3. شکوفاسازی عقل؛ 4. پرورش فضیلت‌جویی؛ 5. پرورش گرایش به کمال.
3	روابط انسان با انسان‌های دیگر	1. الفت و محبت؛ 2. عدالت؛ 3. تعاون احسان؛ 4. رابطه کرامتی.
4	روابط انسان با جهان هستی	1. شناخت طبیعت؛ 2. هدف‌مندی هستی؛ 3. بهره‌برداری صحیح از طبیعت؛ 4. مسئولیت‌پذیری نسبت به مخلوقات خدا.

در صورت توجه همه جانبه به روابط و شکوفاسازی آنها، تربیت، نظام مطلوبی می‌یابد و انسان را به کمال شایسته خویش رهنمون می‌سازد؛ به عبارت دیگر انسان‌ها می‌توانند در پرتو این روابط، استعدادهای خود را پرورش دهند تا در برابر حق، خضوع و خشوع داشته باشند، از سبک زندگی مطلوبی با هم‌نوعان خود برخوردار شوند و رابطه خویش را با هستی واقع‌بینانه کنند.

منابع

- ابراهیمی فر، علی اصغر، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم ۱۳۸۵.

- احمدی، محمدرضا، «نقش صله رحم در بهداشت روانی»، ماهنامه معرفت، شماره ۴۸، ص ۲۹-۳۷، قم ۱۳۸۰.
- اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۵.
- اعرافی، علی‌رضا و دیگران، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، سمت، تهران ۱۳۸۶.
- اکبری، مدینه، «اخلاق امام رضا علیه السلام از نگاه روایات»، مجموعه مقالات جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام (معارف و اعتقادات در فرهنگ رضوی)، ص ۱۴۹-۱۷۶، ۱۳۹۱.
- امام رضا علیه السلام، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم ۱۴۰۸ق.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، مدرسه، تهران ۱۳۹۰.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، جاویدان، تهران ۱۳۶۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، شرح محمدتقی خوانساری، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۴.
- جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۶.
- حرّ عاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مکتب الاسلامیة، تهران ۱۴۱۶.
- حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، کتاب‌فروشی اسلامیة، قم ۱۴۰۴.
- راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد، المفردات، کتاب تهران، ۱۳۶۳.
- سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران ۱۳۶۲.
- شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگی امام رضا علیه السلام، ترجمه جاسم رشید و محمد صالحی، دارالکتب الاسلامیة، تهران ۱۳۸۲.
- شریفی، احمد حسین، همیشه بهار، اخلاق و سبک زندگی اسلامی، نشر معارف، قم ۱۳۹۱.

- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، خصال، ارمغان طویبی، ترجمه صادق حسن‌زاده، تهران ۱۳۸۴.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع، شریف الرضا، قم ۱۳۷۹.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۰.
- طبرسی، ابوالفضل علی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۱ق.
- فرمهبینی فراهانی، محسن؛ میرزا محمدی، محمد حسن و سالاری، امیر، «بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق علیه السلام (مبانی، اصول، روش‌های تربیتی)»، دو ماه‌نامه دانش‌ور رفتار، شماره ۳۹، ص ۶۲- ۷۹، تهران ۱۳۸۸.
- فرید، مرتضی، الحدیث، فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۲.
- فلاح رفیع، علی، «روش‌شناسی الگو در انتقال ارزشها»، دوفصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۲، ص ۳۳- ۵۷، قم ۱۳۹۱.
- قرآن‌کریم، ترجمه مهدی الهی قمشهای، سپهر نوین، قم ۱۳۸۶.
- قطبی، محمد، «راهبردهای قرآنی تربیت دینی»، دوفصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳، ص ۷۱- ۹۴، قم ۱۳۸۹.
- کاوندی، زینب و صفورایی پاریزی، محمد مهدی، «عزت نفس، احترامی به ملکوت خویشتن با نگاهی از دریچه روان‌شناسی و دین»، فصل‌نامه طهورا (مطالعات زنان و خانواده)، شماره ۱۲، ص ۱۶۵- ۱۹۰، قم ۱۳۹۱.
- کتابی، شهرزاد و مریم، «سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام از منظر قرآن کریم»، مجموعه مقالات جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام (امام رضا علیه السلام در آئینه قرآن و عترت)، ص ۲۹- ۵۴، ۱۳۹۱.

- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۴۴.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ق.
- محمدی اشتهازدی، محمد، حکایت‌های شنیدنی، علامه، قم ۱۳۸۳.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، دارالحديث، قم ۱۳۸۱.
- مشکینی، علی، درس‌های اخلاق، ترجمه علی‌رضا فیاض، مترجم، قم ۱۳۷۶.
- موسوی لاری، مجتبی، رسالت اخلاق در تکامل انسان، مؤسسه بوستان کتاب، قم ۱۳۸۶.
- میناگر، عبدالرضا، اخلاق و تربیت اسلامی، ابتکار دانش، قم ۱۳۹۰.
- نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، جمال، قم ۱۳۸۷.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، آل‌البیت لاحیاء التراث، قم ۱۳۶۶.